

جامعه شبکه‌ای و تروریسم مجازی

صمد ظهیری^۱

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور

(تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۷ - تاریخ تصویب: ۹۱/۸/۸)

چکیده

فناوری‌ها، بنیان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... جوامع مدرن معاصر را تکوین داده، و به لحاظ تاریخی، در چند دهه اخیر، به تأسیس جامعه شبکه‌ای (اطلاعاتی، ارتباطاتی، مجازی، دیجیتالی، رسانه‌ای و ...) منجر شده است. ظهور این فناوری‌ها و بروز تحولات بنیانی در جوامع معاصر از طریق این فناوری‌ها، با هدف ساماندهی زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... بشر بوده است. اما به همان اندازه که این فناوری‌ها به ساماندهی زندگی مردمان و رفاه آنان منجر شده، به همان اندازه هم، زمینه بروز پدیده‌های خشونت‌بار تروریستی (از جمله در وجه مجازی زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ...) شده است. این مقاله، درصدد است تا توضیح دهد که جامعه شبکه‌ای موجود، که در آن، مرکز ثقل قدرت، بر تحمیل جنبش‌های سیاسی - اجتماعی استوار است، مورد تهدید تروریسم مجازی است.

واژگان کلیدی

جامعه شبکه‌ای، تروریسم مجازی، جنبش‌های سیاسی-اجتماعی، عقلانیت.

مقدمه

اصطلاحاتی مانند «جامعه اطلاعاتی»^۱، «جامعه شبکه‌ای»^۲، «جامعه مجازی»^۳، «جامعه دیجیتال»^۴، «تمدن سیلیکونی»^۵ و شاید اصطلاحات در حال ظهور دیگری، در چند دهه اخیر، برای فهم ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و ... زندگی به کار گرفته می‌شود تا آخرین جلوه‌های زیستی انسان مدرن را به نمایش بگذارد. در این زمینه، اندیشمندان علوم انسانی زیادی از جمله دانیل بل^۶ با طرح نظریه «جامعه اطلاعاتی به مثابه فراصنعت‌گرایی»، آنتونی گیدنز^۷ با طرح نظریه «اطلاعات، دولت-ملت و نظارت»، هربرت شیلر^۸ با طرح نظریه «اطلاعات و سرمایه‌داری پیشرفته»، یورگن هابرماس^۹ با طرح نظریه «مدیریت و دستکاری اطلاعات؛ نابودی گستره همگانی»، امانوئل کاستلز^{۱۰} با طرح نظریه «اطلاعات و تغییر شهری»، و نیز اندیشمندان دیگری چون ژان بودریار، ژان فرانسوا لیوتار و ... «فناوری اطلاعات و ارتباطات» را وجه تعیین‌کننده سیمای جهان جدید توصیف کرده‌اند. در حال حاضر، توجه بسیار زیادی به «اطلاعاتی‌سازی»^{۱۱} زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... جلب شده است. از این حیث، «شیوه اطلاعاتی و ارتباطاتی»^{۱۲} جدیدی بر جامعه جهانی سطره پیدا کرده است. به طور کلی، به نظر می‌رسد که پرداختن به مسئله اطلاعات و ارتباطات، «امروزه به مثابه تنها راه علاج مشکلات و نماد مرکزی عصری که در آن زندگی می‌کنیم، اهمیت یافته است» (ویستر، ۱۳۸۳).

جامعه شبکه‌ای و ظهور جنبش‌های سیاسی-اجتماعی جدید

جامعه شبکه‌ای، جامعه‌ای است که نقطه مرکزی آن، موفقیت عملی در پردازش، ذخیره و انتقال اطلاعات و کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی است که قابلیت گسترش به تمام گوشه و کنار جامعه جهانی را دارد. در جامعه شبکه‌ای، شبکه‌های الکترونیک کامپیوتری و ریزکامپیوتری نیرومند^{۱۳}، مهم‌ترین زیرساخت و نیروی پویایی است که جامعه صنعتی را به

1. Informational Society
2. Network Society
3. Cyber Society
4. Digital Society
5. Silicon Civilization
6. Daniel Bell
7. Anthony Giddens
8. Herbert Schiller
9. Jürgen Habermas
10. Castells Manuel
11. Informatisation
12. Mode of Information and Communication
13. mighty micro

تمدن سیلیکونی کاملاً نوینی که همان جامعه اطلاعاتی و ارتباطاتی است، سوق می‌دهد و در آن شاهد کاهش شگفت‌آور قیمت کامپیوتر، افزایش عظیم قدرت آنها و غلبه کاربرد آنها در سرتاسر جوامع جهان مورد توجه است. این کامپیوترها به شبکه‌های مخابراتی متصل‌اند. کامپیوتری شدن مخابرات به این معناست که کامپیوترها هرچه بیشتر به هم متصل می‌شوند. اتصال حلقه‌ای بین ترمینال‌های کامپیوتری موجود در ادارات، بانک‌ها، خانه‌ها، فروشگاه‌ها، کارخانه‌ها، مدارس، نیروهای نظامی و انتظامی و ... چشم‌انداز یکپارچگی و در کنار هم قرار گرفتن حوزه مخابرات و کامپیوتر و ایجاد «شبکه اطلاعاتی و ارتباطاتی» است. این شبکه اطلاعات و ارتباطات با تقویت^۱ ISDN که در حقیقت عناصر بنیادی جامعه اطلاعاتی و ارتباطاتی است، به دلیل ویژگی انعطاف‌پذیری بالا، با ضریب کله‌کشانی بالا، قابلیت و قدرت آن را دارد که با استفاده از ماهواره‌ها و ... به هر نقطه‌ای که اراده شود، متصل شود. این شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی همانند راه‌ها، راه‌آهن‌ها و کانال‌های آبی و ...، که در عصر صنعت، زیرساخت حمل‌ونقل کالاها محسوب می‌شدند، در عصر جامعه شبکه‌ای، زیرساخت جامعه اطلاعاتی و ارتباطاتی محسوب می‌گردند (ناجی راد، ۱۳۸۵: ۱۵۹-۱۵۸).

از دیدگاه هربرت شیلر، جامعه شبکه‌ای عبارت است از تولید، پردازش و انتقال حجم عظیمی از داده‌ها درباره تمام حوزه‌های فردی، ملی، اجتماعی، تجاری، اقتصادی، نظامی و بیشتر این داده‌ها برای برطرف کردن نیازهای بسیار تخصصی ابرشرکت‌ها، بوروکراسی‌های حکومت‌های ملی و تشکیلات نظامی دولت‌های پیشرفته صنعتی تولید می‌شوند (Schiller, 25). از دیدگاه امانوئل کاستلز، جامعه شبکه‌ای عبارت است از مجموعه‌ای همگرا از تکنولوژی‌ها در میکروالکترونیک‌ها، کامپیوتینگ (شامل ماشین‌ها و نرم‌افزار)، ارتباطات راه‌دور^۲، مخابرات و پخش^۳، و الکترونیک‌های نوری^۴ (کاستلز، ۱۳۸۰).

به هر حال، هر اندازه که فناوری روز به افق‌های جدیدی دست می‌یابد، دگردیسی جدیدی در فرایند شکل‌گیری و رفتار نهادها و سازمان‌ها، و به‌طور کلی، در زیرساخت‌های زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... بشر ایجاد می‌شود. سازمان‌های الکترونیکی، دولت الکترونیکی، تجارت الکترونیکی، پست الکترونیکی و ...، دنیای مجازی پیچیده‌ای را ایجاد کرده‌اند که اعمال و اتفاقات واقعی و حقیقی در آن روی می‌دهد و دنیای ما را به دنیای مجاز واقعی تبدیل می‌کند.

-
1. Integrated Services Digital Network
 2. Telecommunication
 3. Broadcasting
 4. optoelectronics

آنچه از دیدگاه این نوشته و نیز از دیدگاه نظریه جامعه‌شناسی سیاسی جدید اهمیت دارد، این است که شکل‌گیری فناوری اطلاعات و ارتباطات و ظهور جامعه شبکه‌ای، به تقویت جنبش‌های سیاسی-اجتماعی به شکل شبکه متعامل نمادین، و انتقال مرجع قدرت از دولت‌های مدرن ملی به جنبش‌های سیاسی-اجتماعی منجر شده است.^۱ این تحول، بستر ظهور و تکوین «تروریسم» مجازی معاصر را جایگزین پدیده‌های خشونت‌بار سیاسی-اجتماعی کلاسیک مثل انقلابات، جنگ‌های مدرن، کودتاها، شورش‌ها و ... شده است.

به‌طور کلی، به لحاظ سیاسی، فناوری اطلاعات و ارتباطات به سه دلیل خط مقدم تحولات در جهان موجود است: ۱. دولت‌ها را وادار ساخته است که از ایجاد انحصار سنتی بر ساختار ارتباطات دست بردارند، و آنها را به تدوین صرفاً برخی از قوانین و مقررات محدود می‌کند؛ ۲. رقابت و نوآوری به‌منزله نیروی محرکه بخش ارتباطات و اطلاعات است که به‌سرعت در حال رشد و گسترش است؛ ۳. اهمیت ناگهانی اینترنت و پیدایش شبکه جهان‌گستر، چگونگی عملکرد روابط بین‌الملل را تغییر و در مسیر جهانی شدن قرار داده است.

از دیدگاه نظریه جامعه‌شناسی سیاسی جدید، می‌توان سه سطح تحلیلی را فرض کرد: سطح تحلیل فردی، گروهی (جنبش‌های سیاسی-اجتماعی و در درون آنها، NGOها) و دولت. مرکز ثقل قدرت (و ثروت)، به‌واسطه گسترش نظام دموکراسی در سطح کشوری و جهانی، از سطح فردی و دولتی به سطح گروهی منتقل می‌شود. در سطح فردی به‌دلیل دموکراتیک شدن جوامع، قدرت مانور اراده فرد (مثل اراده حاکم مستبد و دیکتاتور در نظام سنتی اقتدارگرا) رو به تحلیل می‌رود. در سطح دولتی نیز به‌دلیل ظهور تسلیحات نظامی هسته‌ای (طبق قانون پارادوکس برودی)^۲ و ظهور جامعه اطلاعاتی، ارتباطاتی و شبکه‌ای شدن

۱. حوزه مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک، مطالعه رابطه بین دولت (مدرن) و جامعه، و نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، در سطح تحلیل ملی (در مقابل سطح تحلیل فردی و بین‌المللی) با خصوصیات ژئوپلیتیکی معین بود (رک: بشیریه، ۱۳۸۰).

۲. قانون «پارادوکس برودی» قانونی است که توسط برنارد برودی در اواخر دهه ۱۹۴۰م در تحلیل تروریسم در فضای هسته‌ای شدن دولت‌ها ارائه شد. پارادوکس برودی به این معناست که تسلیحات هسته‌ای به قدری از لحاظ تخریب، کارآمد و مؤثرند که شروع جنگ بین دو قدرت هسته‌ای یا حتی بین یک دولت هسته‌ای با گروهی که نماینده یک جنبش سیاسی-اجتماعی است، در حکم خودکشی ملی واقعی برای هر دو گروه یا دولت متخاصم خواهد بود. در نتیجه، آنها برای کسب امتیاز از همدیگر متوسل به تروریسم می‌شوند، با این فرض «عقلانیت‌باورانه» که، طرف مقابل آنقدر عاقل است که به‌خاطر یک اقدام تروریستی، دست به جنگ تمام‌عیار هسته‌ای نخواهد زد. در نتیجه، واحدهای سیاسی، اهداف خود را کوچک‌تر تعریف می‌کنند و برای رسیدن به آن از تروریسم یا تهدید تروریستی استفاده می‌کنند، اما آنقدر پیش‌روی نمی‌کنند که طرف مقابل را تحریک به آغاز جنگ تمام‌عیار کنند (هنل، ۱۳۸۳: ۱۷). این شیوه در عصر اطلاعات، ارتباطات و رسانه‌ها، بسیار کارآمد است، زیرا تروریست‌ها حتی بدون توسل به تروریسم هم می‌توانند صرفاً با تبلیغ تهدید به تروریسم از طریق ارتباطات و رسانه‌ها به امتیازات خود دست پیدا کنند. بدین ترتیب، شاهد گسترش تروریسم در سرتاسر جهان به‌صورت فرسایشی هستیم، و به همین دلیل هم، ادعا می‌کنیم که تروریسم در حال جایگزینی با پدیده‌هایی مثل انقلابات، جنگ‌های مدرن (مثل الگوی جنگ‌های ناپلئونی که کارل فون کلازوتس نظریه‌پردازی کرده است)، کودتاها و... است.

جوامع که هدایت آن را بیشتر جنبش‌های سیاسی-اجتماعی در دست گرفته‌اند، قدرت مانور دولت‌ها در سطح داخلی و بین‌المللی محدود شده است. در نتیجه، جنبش‌های سیاسی-اجتماعی هرچه بیشتر در داخل دولت‌های ملی و در مقابل فرد و دولت و مخصوصاً با به‌کارگیری قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، قدرتمندتر می‌شوند، و از طرف دیگر، گستره جهانی پیدا می‌کنند، یعنی با همدیگر یکپارچه می‌شوند (نش، ۱۳۸۵). بنابراین، از دیدگاه نظریه جامعه‌شناسی سیاسی جدید، منظور از جامعه شبکه‌ای، جامعه‌ای است که پایگاه آن، جنبش‌های سیاسی-اجتماعی است، و حیات ملت‌ها، وابستگی عمیقی به ساختار جنبش‌های سیاسی-اجتماعی، و در دل آنها، به ساختار فناوری اطلاعات، ارتباطات و اشکال شبکه‌ای آنها پیدا کرده است. هیچ جامعه یا گروهی هم‌اکنون نمی‌تواند بدون دسترسی به این اطلاعات، ارتباطات، رایانه‌ها، رسانه‌ها، و به‌طور کلی، به دور از سیستم شبکه‌ای آنها همپای دیگر جوامع یا گروه‌ها، ادامه حیات دهد. مردم با آنها نیازهای حیاتی-زیستی خود را برآورده می‌کنند؛ با همدیگر اطلاعات رد و بدل می‌کنند؛ منفعت کسب می‌کنند؛ تجارت می‌کنند؛ امرار معاش می‌کنند، و به‌طور کلی، زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... خود را سامان می‌دهند و ... اما همانقدر که این شبکه‌های اطلاعاتی، ارتباطاتی، رایانه‌ای، رسانه‌ای و ... در رفاه و کاهش رنج مردمان و ملت‌ها در زندگیشان، مثبت و کارآمدند، همان اندازه هم، زمینه‌ای برای اقدامات تروریستی ویرانگرند، که به این وجه شبکه‌ای تهدیدات تروریستی ویرانگر، «تروریسم مجازی» می‌گویند.

تکوین جهان مجازی، جنبش‌های سیاسی-اجتماعی جدید و تروریسم

تا اینجا به جنبه عینی ساختارهای حاکم بر جامعه کنونی ملت‌های جهان پرداختیم. حال به جنبه ذهنی یا رسانه‌ای (تصویری) و تبعات و پیامدهای سیاسی-اجتماعی (سردارنیا، ۱۳۸۶، ۱۰۴؛ مقصودی و عرب، ۱۳۸۶: ۲۰۲؛ شاه‌حسینی، ۱۳۸۱) آن در روابط بین‌ذهنی اجتماعات کنونی، که تأیید تعیین‌کننده بر گسترش پدیده تروریسم و جایگزینی آن با پدیده‌های سیاسی گذشته مثل انقلابات، جنگ‌های مدرن، کودتاها و ... دارد، و موضوع بحث نظریه جامعه‌شناسی سیاسی جدید است، می‌پردازیم.

چشم‌انداز عظیمی از فناوری‌ها، وقوع تحولاتی بنیانی در زمینه ارتباطات راه‌دور را نمایان می‌کند که به آن، «رسانه‌های متعامل» گفته می‌شود. این فناوری، ترکیبی است از پیشرفت‌های عظیم جدید در زمینه فیبر نوری، دیجیتالی شدن، چندرسانه‌ها، و «واقعیت‌نمایی» با لوازم خانگی معمولی مانند تلفن، تلویزیون، کامپیوتر و مخصوصاً اینترنت. حاصل اختلاط این

فناوری‌ها، پیوند نوینی است که به شبکه وسیعی از کامپیوترهای راه‌دور و پایگاه داده‌ها متصل می‌شود و امکان دسترسی به منابع گسترده‌ای از اطلاعات، سرگرمی و خدمات ارتباطی را فراهم می‌آورد. این وضعیت جدید، ارائه مستقیم متون، مواد دیداری و شنیداری بدیع، و آشکال سه‌بعدی را امکان‌پذیر می‌کند. این رسانه‌های جدید در «بزرگراه اطلاعات»^۱ به هم می‌رسند؛ مجرای دوطرفه که نه تنها برای دریافت و ارسال داده‌های نوشتاری بلکه برای تصاویر کاملاً متحرک، اشکال ثابت، نقاشی متحرک، گرافیک‌های کامپیوتری و صدا نیز استفاده می‌شود.

حاصل کاربردهای رسانه‌های متعامل (مخصوصاً تصویری)، غرق شدن جامعه در زبانی استعاره‌ای است، به این معنا که رسانه‌های شنیداری و تصویری مثل رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره و ... از طریق نشانه‌ها، نمادها و سمبل‌ها، ذهنیت شهروندان را می‌سازد و دنیای ذهنی آنها را که زمینه تصمیم‌گیری و مبنای عملشان است، مجازی می‌نماید. حاصل این فرایند، «واقعیت‌نمایی» است. «نظام‌های واقعیت‌نمایی، کاربران را قادر می‌سازد تا در فضاهای انتزاعی (مجازی)، یعنی آنجایی که ماشین یا بیننده واقعی وجود ندارد، شرکت کنند. بدین ترتیب، مبنای اقدامات تروریستی در این فضای مجازی، پیام‌هایی است که این رسانه‌های (تصویری و ...) متعامل، آنها را به صورت نمادها، نشانه‌ها و سمبل‌ها، که با الهام از ایدئولوژی‌ها و نظام‌های آیینی، برساخته شده، و در ذهنیت سوژه‌ها شکل گرفته‌اند، به شعار شهروندان تبدیل می‌کند. در نهایت اینکه در نتیجه پیامدهای این فناوری‌های رسانه‌ای و در بستر دنیای مجازی‌ای که این فناوری‌ها بر ساخته‌اند، به لحاظ ذهنی، کشمکش‌های ایدئولوژیک، و به لحاظ عملی، اقدامات تروریستی، و به طور کلی، تروریسم (و نه انقلابات، جنگ‌های مدرن، کودتاها و ...)، در پی سازماندهی دوباره جامعه هستند و خواهند بود (سعیدی و اصغرکیا، ۱۳۸۵: ۷۲-۴۷).

ژان بودریار، ظهور این دنیای مجازی یا تصویری (تصویری در مقابل واقعی) را ترسیم می‌کند. از نظر بودریار، جهان واقع، جهان شبیه‌سازی‌ها^۲ و وانمایی‌ها^۳ است. انسان‌ها در دنیایی که در آن، تصویر، واقعی‌تر از واقعیت است، با تصاویر یکدیگر سروکار دارند نه با «خودشان». تصویر، محصولی جمعی است و هیچ انعکاسی از خود ندارد. بدین‌سان، جهان تصویری، جهانی مافوق واقع^۴ است که در آن، مردم با تعبیرها و تصاویر سروکار دارند، که البته نقش رسانه‌ها در این میان، کانونی و تعیین‌کننده است (سِمَتی، ۱۳۸۵: ۲۰-۱۱). به طور کلی، بحث بودریار، درباره «رژیم تصورات» است. از نظر او، سلطه تصورات در جهان امروز آنقدر گسترش یافته

-
1. information highway
 2. simulacrum
 3. simulation
 4. hyper real

است که امر واقع، کاملاً محو شده، و «دیگر حقیقت، مصداق و علل عینی ندارد». از نظر بودریار، روند گذار به این وضعیت، مراحل را طی کرده است. در آغاز، نشانه یا تصور، بازتاب واقعیت اساسی است. در مرحله دوم، صورت یا نشانه بر واقعیتی اساسی سرپوش می‌گذارد. در مرحله سوم، صورت یا نشانه بر غیاب واقعیتی اساسی سرپوش می‌گذارد. در مرحله چهارم که مرحله فعلی است و در آن دیگر نه راه پیشرفت و نه راه عقب‌گردی هست، صورت یا نشانه دیگر هیچ‌گونه رابطه‌ای با واقعیت ندارد. نتیجه نهایی اینکه، تصور یا شبیه‌سازی، تنها واقعیت است، و گرچه هم «واقعی» نیست و هم «واقعی» است، جز آن واقعیتی دیگر باقی نمی‌ماند. آنچه ما درباره واقعیت می‌دانیم، همان است که در «تصورات رسانه‌ای» ساخته می‌شود (همان: ۱۴). در نتیجه، بی‌دلیل نیست که با اینکه حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر که اگرچه، به شدت، ویرانگری و گستردگی بیش از میلیون‌ها حادثه دیگر تروریستی در اقصی نقاط جهان نبود، اما به دلیل تصویری که از آن در ذهنیت مردم از طریق رسانه‌های تصویری ساخته شد، نقطه عطفی در تحول تاریخی در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، رویداد ۱۱ سپتامبر در ذهنیت‌های برساخته‌شده از طریق رسانه‌هاست که ۱۱ سپتامبر است، وگرنه صدها حادثه ویرانگرتر از آن تنها در جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست و صدها برابر بیش از ۱۱ سپتامبر کشته و تلفات بر جای گذاشت (هابرماس و دریدا، ۱۳۸۴: ۶-۳).

به‌طور کلی، فناوری‌های جدید، دو تحول عمیق در جامعه انسانی امروز به‌وجود آورده است. از یک طرف، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، جوامع امروز را به سیستم شبکه‌ای تبدیل کرده است که یکپارچه عمل می‌کند، و حیات جامعه انسانی امروز، به حیات این شبکه وابسته است. از طرف دیگر، بعد رسانه‌ای این سیستم شبکه‌ای، فضای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... این جوامع را تحت تأثیر قرار داده و مجازی کرده است. امانوئل کاستلز، ظهور جامعه شبکه‌ای را سرآغاز دگرگونی‌های همه‌جانبه در این عصر می‌نامد. او شبکه‌های اطلاعات و ارتباطات را عنصر اصلی تمامی کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... در اواخر سده بیستم می‌داند (کاستلز، ۱۳۸۰).

از چشم‌انداز نظریه جامعه‌شناسی سیاسی جدید، اگرچه این فناوری اطلاعات، ارتباطات و رسانه‌ها در ابتدا توسط دولت‌ها، بالأخص در سازمان ارتش، ظهور کرد و به‌کار گرفته شد، لکن به تدریج بعد از جنگ جهانی دوم و به‌طور گسترده از ابتدای دهه آخر قرن بیستم و به‌خصوص در جوامع دموکراتیک (غرب) به اعماق جوامع انسانی نفوذ کرده و زمینه‌های ظهور جنبش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... را تقویت کرد. در حال حاضر، یکی از عوامل انتقال مرجع قدرت و سیاست از دولت‌ها به جنبش‌های سیاسی-اجتماعی، دقیقاً همین انتقال فناوری اطلاعاتی، ارتباطاتی و رسانه‌ای به درون جوامع است. اهمیت دیگری که این

پدیده از دیدگاه این نوشته دارد این است که اگر قبلاً دولت‌ها مرکز فرماندهی پدیده‌های تروریستی بودند، با انتقال مرجعیت قدرت از دولت‌ها به جنبش‌های سیاسی-اجتماعی، که زیرساخت‌های آن را فناوری اطلاعات، ارتباطات و رسانه‌ها تشکیل می‌دهد، تهدید تروریسم (به‌مثابه جایگزین انقلاب‌ها، جنگ‌های مدرن، کودتاها و ...) بر پایه این جنبش‌ها به‌وجود می‌آید. به موازات رشد و افزایش روزافزون توانایی‌های بازیگران غیردولتی (جنبش‌های سیاسی-اجتماعی) در دستیابی به اطلاعات کنترل‌ناشده از طریق اتصال به شبکه‌های الکترونیکی و فضای مجازی، عنصر مهم قدرت و حاکمیت «دولت-ملت‌ها»^۱، یعنی کنترل و مراقبت بر فضا و قلمرو کشور فرو می‌پاشد. این شبکه‌های الکترونیکی، انحصار دولت‌ها بر حجم عظیم اطلاعات را از بین می‌برد. پیامد این فرایند، ایجاد هویت، فرهنگ، تبعیت، وفاداری، اعتقادات و رفتار تناقض‌آمیز محلی-جهانی است. فناوری‌های اطلاعاتی، ارتباطاتی و رسانه‌ای، از یک طرف، فرهنگ و هویت‌های نوینی را در خود می‌پرورانند و طیف گسترده‌ای را هوادار خود می‌کنند، و از سوی دیگر نیز، موجب تحقیر فرهنگ‌ها و هویت‌های محلی و مخالف خود می‌شوند. در این فرایند، برخی از هویت‌های محلی مبتنی بر قومیت، بنیادگرایی دینی، ملی‌گرایی و ... در برابر آن صف‌آرایی و مقاومت کرده و می‌کنند، و در واقع، جنبش‌های جدید سیاسی-اجتماعی را شکل می‌دهند. بدین ترتیب، منشأ و سرچشمه گروه‌های مقاومت، بنیادگرایی اسلامی، مسیحی، ناسیونالیستی، فمینیستی، تروریستی و ... در عصر جهانی شدن را باید در بازیابی هویت گذشته اقوام و ملل و ... (ناجی راد، ۱۳۸۵: ۱۶۵) در شرایط و ظهور امکان‌ها و فرصت‌های ناشی از تکوین ساختارهای فناورانه در بطن جوامع و ظهور جنبش‌های سیاسی-اجتماعی جدید دانست.

تروریسم (مجازی): پدیده‌ای عقلانی

اشاره کردیم که همانقدر که فناوری‌های جدید، زیرساخت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... جوامع را به نفع زندگی بشر معاصر دچار تحول بنیادی کرده، همان اندازه هم تهدیدهای ویرانگر را متوجه زیرساخت‌های جامعه بشری کرده است که محوری‌ترین شکل این تهدید، تهدید تروریسم است. «تروریسم» از مبهم‌ترین مفاهیم، و در عمل، از پیچیده‌ترین پدیده‌های سیاسی‌ای است که از بحران فهم روش‌شناختی و تعریف رنج می‌برد، به این معنا که تاکنون، هیچ تعریف جامع و مانعی در جهان ارائه نشده است که مبنای اقدام مشترک و هماهنگ دولت‌ها و سازمان‌های سیاسی قرار بگیرد. نتیجه این فقدان، اقدامات یکجانبه دولت‌ها، و نهایتاً هرج و مرج بوده است (سلیمانی، ۱۳۸۶: ۱۸۱؛ رایش، ۱۳۸۱: ۲۵-۱۵). با این حال

تعدادی از کشورها (مثل ایالات متحده آمریکا)، سازمان‌های بین‌المللی (مثل سازمان ملل)، سازمان‌های منطقه‌ای (مثل اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی) اقدام به اعلام رسمی موضع خود در خصوص تروریسم کرده‌اند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶). این اعلام موضع رسمی، از این لحاظ مفید است که می‌تواند گفت‌وگوهای مشترکی را به وجود بیاورد تا متصدیان درگیر با مسئله، با آگاهی از ذهنیت و موضع دیگران بتوانند به اصول مشترک جهانی در شناخت پدیده تروریسم، و در نهایت برای مبارزه با آن، دست یابند.

«ترور» یا «ارباب»، یک «عمل (کنش)»^۱، یا به عبارت دیگر، فعالیت عملی است، نه یک «رفتار»^۲، و نیز نه یک حرکت جسمانی صرف که از آدمی سر می‌زند؛ عملی که ماهیتاً عقلانی است. مفهوم عمل (کنش)، نتیجه یک فرایند استدلالی منطقی-عقلانی است (فی، ۱۳۸۱: ۲۳۹-۱۶۹)، اما مفهوم رفتار، مفهومی پوزیتیویستی است. به عبارتی دیگر، پدیده «تروریسم» چه در سطح فردی و چه در سطح گروهی، عملی هدفدار، قصدمند و عقلانی است (همان)، به این معنا که فرایند عمل تروریستی براساس «محاسبه سود و زیان» اتفاق می‌افتد (Pope, 2003: 343)، ولو مبنای این محاسبه، سود و زیان مادی برای عاملانی که یک عملیات تروریستی را صرفاً مدیریت می‌کنند و خود قصد انتحار ندارند و به زندگی دنیوی علاقه‌مندند، باشد، یا به دست آوردن بهشت موعود به عنوان پاداش عمل انتحار برای عاملان انتحاری باشد.

پیتر فلمینگ^۳ و مایکل استول^۴ با استفاده از داده‌های تجربی پایگاه تروریسم‌شناسی ایترات-۵^۴، براساس داده‌های دوره زمانی بین ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۴ م، و با بررسی مجموعاً ۱۰۸۳۷ مورد پدیده تروریستی و با جزییات مربوط به کیستی، چستی، زمان و مکان وقوع پدیده تروریستی، معیارهایی را به دست داده‌اند که می‌توان به کمک آنها پدیده‌های تروریستی را به عنوان پدیده‌هایی عقلانی، بررسی و ارزیابی کرد. این معیارها عبارت‌اند از:

۱. تروریسم پدیده‌ای حساب‌شده و هدفمند است: از دید ناظران بی‌گناهی که در صحنه تیراندازی یا انفجار مرتبط با یک حادثه تروریستی گرفتار می‌شوند، هیچ تردیدی وجود ندارد که این حادثه و قربانی شدن آنان، اتفاقی است، و از همین رو، اقدامات تروریستی حتی هراس‌آورتر می‌شود. اما واقعیت این است که تروریسم، «هدفمند» است و انجام آن همواره با

1. action

2. behavior

3. Peter Flemming

4. Michael stohl

5. ITERAT-IV (international terrorism: Attributes of terrorism events).

- علاوه بر این پایگاه اطلاعاتی که صرفاً ناظر بر تروریسم بین‌المللی است، پایگاه‌های اطلاعاتی دیگری هم وجود دارد که آمارهای مختلفی از کل حوادث تروریستی به دست می‌دهند از جمله: Jaffe center و یا مرکز RAND یا وزارت امور خارجه ایالات متحده (Warner, 1981).

«گزینش» قربانیان همراه است. برای نمونه، شاخه موقتی ارتش جمهوری خواه ایرلند^۱ اگرچه برای اجرای برخی عملیات خود از مرزها عبور می‌کند، اغلب در بریتانیا و بر ضد آماج‌های مربوط به دولت بریتانیا در خارج از آن کشور دست به عملیات می‌زنند و بسیار بعید می‌نماید که در خاورمیانه یا آمریکای لاتین عملیاتی انجام دهند یا به اسرائیل و آماج‌های مرتبط با اسرائیل حمله کنند، و همین‌طور، احتمال حمله گروه «سپتامبر سیاه»^۲ به اعضای خانواده سلطنتی بریتانیا بسیار کم است.

۲. تروریسم، راهبردی خردمندانه است و حدودی را محترم می‌شمارد: علی‌رغم تصور عمومی، ویژگی بیشتر اقدامات تروریستی، کشتار و تخریب گسترده نیست، در غیر این صورت، تروریست‌ها به چند دلیل شانس چندانی برای بقا نخواهند داشت. الف) آنها پشتیبانی حامیان خود را (که در درجه اول، دولت‌ها هستند) از دست خواهند داد؛ ب) آنها باید در مقابل واکنش شدید دولت مورد هدف، در برابر اقدامات بسیار خشونت‌آمیز دست و پنجه نرم کنند؛ ج) آنها باید کاربرد خشونت را با ایدئولوژی خود سازگار کنند.

۳. تروریسم لزوماً مترادف با تلفات جانی و خسارات مالی وسیع و فراوانی نیست: تاکنون هسته اصلی تروریسم، ترکیبی از تهدید به ارتکاب خشونت و مجموعه‌ای از اقدامات خشونت‌آمیز بوده است که پیش از آنکه موجب کشتار و تخریب شود، موجب ایجاد رعب و وحشت شده است.

۴. تروریسم منحصراً توسط بازیگران غیردولتی و شورشگران به‌وقوع نمی‌پیوندد، و هدف آن، صرفاً ایجاد آشوب و هرج و مرج نیست، اگرچه بی‌تردید هدف اولیه تروریسم آن‌گونه که چالشگران با اقتدار دولت، آن را به‌کار می‌گیرند، ایجاد هرج و مرج و آشفتگی، و در نتیجه اثبات ناتوانی رژیم از اداره امور است. اما نباید این واقعیت را نیز نادیده گرفت که دولت‌ها هم برای برقراری نظم، پیوسته به تروریسم متوسل شده‌اند، و حتی در زمینه به‌کارگیری موفقیت‌آمیز تاکتیک‌های تروریستی بسیار تواناتر از شورشیان هستند. این تصور که با ظهور تروریسم مرتبط با شبکه‌های رایانه‌ای، تنها بازیگران غیردولتی از محیط الکترونیکی به‌عنوان عرصه‌ای نو برای انجام اقدامات تروریستی استفاده خواهند کرد، واقع‌بینانه نیست. بازیگران دولتی همچنان از فرصت‌های فراوانی برای تلفیق تاکتیک‌های تروریستی متعارف با رایانه‌ها به شیوه‌های مختلف و به‌منظور نیل به اهداف سیاسی خود برخوردار خواهند بود.

۵. تروریست‌ها انسان‌های دیوانه یا جانی نیستند: این تصور که تروریست‌ها مطابق تعریف، مجرم‌اند، شاید از لحاظ قواعد حقوقی، صحیح باشد، اما فراتر از این حد، لزوماً کارگشا

1. Provisional wing of the Irish Republican Army
2. Black September

نخواهد بود، به دلیل اینکه، مجرم‌انگاری در جرم‌شناسی به معنای جنون‌انگاری نیست، چراکه دقیقاً چون جرم‌شناسی، مجرم را عاقل فرض می‌کند، به همین دلیل هم، مجرم را مسئول عمل (کنش) مجرمانه او می‌داند و برای عمل مجرمانه‌اش، جزا تعیین می‌کند. بسیاری از اقدامات تروریستی ریشه در منازعات سیاسی با ملاحظات راهبردی مشخص دارند و باید با توجه به همان منازعات و ملاحظات ارزیابی شوند. بنابراین، عمل تروریستی، عملی عقلانی است نه رفتاری جنون‌آمیز.

۶. دولت‌ها همواره مخالف تروریسم غیردولتی نیستند: در مواردی اقدامات تروریستی بازیگران غیردولتی با منافع ملی برخی دولت‌های مستقل در یک راستا قرار می‌گیرد. در چنین مواردی حمایت دولت، بر مبنای محاسبه سودها و هزینه‌ها صورت می‌گیرد، که طی آن، منافع احتمالی حاصل از نتیجه دلخواه، میزان احتمال دستیابی به وضعیت دلخواه در نتیجه آن عمل تروریستی و نیز هزینه احتمالی مداخله در آن عمل باهم سنجیده می‌شود. به همین سبب است که دولت ایالات متحده آمریکا نگرانی شدید خود را از حمایت دولت‌ها از تروریسم غیردولتی مرتبط با شبکه‌های رایانه‌ای/رایانه‌ها ابراز کرده است.

۷. مبنای تروریسم، شیطنت و شرارت یک یا دو بازیگر عمده نیست: متأسفانه نظریه‌های مبتنی بر «اهریمن‌انگاری تروریسم»^۱ از سوی دولت‌ها برای پیشبرد منافع خود همچنان زنده نگه داشته می‌شود، زیرا این پندار به آنها آزادی عمل بیشتری برای تعقیب سیاست‌هایی می‌دهد که پیش از آنکه در جهت مقابله با تروریسم باشد، با منافع سیاست خارجی مرتبط است (فلمینگ و استول، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

به‌طور کلی، پندارهای هفت‌گانه مذکور برای شناخت پدیده تروریسم، که به لحاظ ماهوی، هم نوع متعارف دارد، و هم نوع متکی به رایانه‌ها، اهمیت دارند.

تروریسم مجازی

از لحاظ نظری، تروریسم مجازی، تاکتیک تروریستی مربوط به متن جامعه شبکه‌ای است که ماهیتاً بر همان اصول هفت‌گانه فوق استوار است که همه وجوه تروریسم بر آنها مبتنی است. بنابراین، منظور از وجه مجازی تروریسم، وجهی از تروریسم است که در آن، مؤلفه‌های رایانه‌ای وجود دارد. از لحاظ نظری، تروریسم مجازی، هر گونه عملی تروریستی است که در آن، از سیستم‌های اطلاعاتی یا فناوری دیجیتال (رایانه‌ها یا شبکه‌های رایانه‌ای) چه به‌عنوان ابزار حمله و چه به‌عنوان آماج حمله در پیگیری اهداف سیاسی استفاده می‌شود. به‌عبارت دیگر، هسته مرکزی تروریسم مجازی به‌عنوان پدیده‌ای سیاسی، آمیختگی عمل تروریستی با

رایانه‌هاست (همان). از لحاظ عملی نیز، تروریسم مجازی عبارت است از: «بهره‌گیری از اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای و امکاناتی که این شبکه‌ها پدید می‌آورند با هدف نابود ساختن ساختارهای زیربنایی یک جامعه مانند سیستم انرژی، حمل‌ونقل، فعالیت‌های دولتی و تأثیر گذاشتن بر یک دولت، شهروندان، گروه‌ها و ...». تروریسم مجازی، نقطه کانونی تروریسم از یک سو، و فضای مجازی از سوی دیگر است. این واژه ناظر بر مجموعه‌ای از حمله‌ها و تهدیدها علیه رایانه‌ها، شبکه‌ها و اندوخته‌های اطلاعاتی است که دولت‌ها را مجبور به بازنگری برنامه‌ها و اهداف می‌سازد. به‌علاوه، تروریسم مجازی، به خشونت علیه افراد و دارایی‌ها منجر می‌شود، یا دست‌کم ایجاد آسیب و ترس می‌کند. تروریسم مجازی، زیربناها و شالوده‌های حیاتی را به خطر می‌افکند و خدمات حیاتی را مختل می‌کند (Weiman, 2004). به‌طور کلی، مباحث مربوط به تروریسم مجازی، از ایجاد مزاحمت توسط خرابکاران رایانه‌ای^۱ آغاز می‌شود و تا مباحث مربوط به پیامدهای فاجعه‌بار حملات شیمیایی، میکروبی، تشعشعی و هسته‌ای را در برمی‌گیرد.

تروریسم مجازی دو مؤلفه اساسی دارد: ۱. استفاده تروریست‌ها از رایانه برای انجام فعالیت‌های غیرخشونت‌آمیزی که اگرچه با تروریسم فاصله دارند، ولی آن را تسهیل می‌کنند. نمونه بسیار رایج این امر، استفاده از اینترنت برای اهداف تبلیغاتی و ضداطلاعاتی است. بسیاری از گروه‌های مخالف تبعیدی از ایران، عراق، مکزیک، ایرلند شمالی و عربستان سعودی از شبکه جهانی اینترنت به همین منظور استفاده کردند. یا مثلاً گروه‌های نئونازی، گروه کلمبیایی ای.ال.ان، و زاپاتیست‌ها نیز از تاکتیک‌های مشابهی بهره گرفته‌اند. ۲. فعالیت‌های تروریستی‌ای که در آنها، فناوری رایانه یکی از اجزای مشخص حمله تروریستی (خواه به‌عنوان سلاح، خواه به‌عنوان هدف مورد حمله) است. گروه‌های تروریست از فناوری رایانه‌ای خود برای تهدید یا حمله کردن به منابع رایانه‌ای قربانی بهره می‌گیرند. این عمل می‌تواند به شکل تهدید یا حمله بر ضد زیرساخت‌های ملی که به‌شدت به شبکه‌های رایانه‌ای وابسته شده‌اند و ارتباط متقابل با این شبکه‌ها دارند، تجلی یابد (فلیمینگ و استول، ۱۳۸۴).

در حال حاضر، اصلی‌ترین ویژگی جوامع بشری، آمیختگی کنش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و ... این جوامع با فناوری اطلاعات و ارتباطات است. این آمیختگی به‌راحتی به وابستگی جوامع به این فناوری اطلاعات و ارتباطات انجامیده است. همین وابستگی است که به نقطه ضعف جدی برای جوامع تبدیل شده است. در واقع، تروریسم مجازی به این دلیل اعتبار یافته است که ملت‌ها و ساختارهای حیاتی آنها هر روز، بیش از پیش، به شبکه‌های رایانه‌ای وابسته می‌شوند. این امر بر آسیب‌پذیری آنها می‌افزاید و

آسیب‌های جدیدی را نیز بر آنها تحمیل می‌کند. در بسیاری از آثاری که به تروریسم مجازی پرداخته‌اند، گمان می‌رود که آسیب‌پذیری شبکه‌های رایانه‌ای موجب آسیب‌پذیری زیربناهای حیاتی یک ملت می‌شود، و این آسیب‌پذیری، امنیت ملی را به خطر می‌اندازد. پس تا زمانی که زیربناهای حیاتی یک کشور بیش از پیش به فناوری اطلاعات و ارتباطات وابسته باشند، به همان اندازه آسیب‌پذیرتر خواهند شد. برای سنجش میزان آسیب‌پذیری باید میزان وابستگی زیربناهای ملی به شبکه‌های رایانه‌ای را سنجید. در سال ۲۰۰۳ جمعی از نویسندگان مدعی شدند که هدف اصلی تروریسم مجازی، آسیب زدن به صنایع انرژی است؛ این مسئله به‌ویژه در مورد آمریکا کاملاً درست است. صنایع انرژی در آمریکا نخستین مهره‌ای است که می‌تواند در حملات تروریست‌های مجازی علیه آمریکا استفاده شود. شبکه آبرسانی آمریکا بسیار مستعد است که به هدف اصلی تروریسم مجازی تبدیل شود. در آمریکا ۵۴۰۶۴ سامانه مستقل آبرسانی وجود دارد. از این میان ۳۷۹۶ سامانه به ۸۱ درصد جمعیت آمریکا و ۳۵۳ سیستم به بقیه جمعیت، خدمات آبرسانی ارائه می‌دهند. این سیستم به‌آسانی می‌تواند آماج حملات تروریستی قرار گیرد و شاه‌رگ حیاتی جامعه آمریکا را به زانو بنشاند. اگرچه گفته می‌شود که ناهمگونی فناوری شبکه‌ای که در این سیستم به‌کار رفته است فعالیت تروریست‌های مجازی را دشوار و پیچیده می‌سازد (عباسی، ۱۳۸۳؛ Lewis, 2003).

در مجموع، پنج مزیت موجب می‌شود که تروریست‌ها از شیوه‌های مجازی برای دستیابی به اهداف خویش بهره بگیرند:

۱. ارزان بودن این روش‌ها نسبت به روش‌های سنتی تروریسم: تروریست‌ها در وجه مجازی تنها به یک رایانه و ارتباط با اینترنت و شبکه نیاز دارند و نیازی به صرف هزینه‌های کلان برای خرید اسلحه نیست.
۲. ابهام و بی‌نام‌نشان‌ی: وجه مجازی تروریسم، هویت تروریست‌ها را پنهان نگاه می‌دارد. تروریست‌ها از اسامی مستعار استفاده می‌کنند و شناسایی هویت واقعی آنها برای نهادهای امنیتی بسیار مشکل است.
۳. تنوع و فراوانی اهداف: تروریست‌ها می‌توانند رایانه‌ها، شبکه‌های رایانه‌ای، افراد، امکانات عمومی، خطوط هوایی و ... را با استفاده از همین روش تهدید کنند.
۴. عملکرد قابل کنترل از راه‌دور: تروریسم مجازی از راه دور قابل کنترل است، بنابراین نیازی به حضور فیزیکی تروریست‌ها نیست. بر این اساس، خطر مرگ، سرمایه‌گذاری روانی و ... کاهش می‌یابد.

۵. گستره وسیع تأثیرگذاری: هنگامی که ویروس «I love you» منتشر شد، آشکار شد که تروریسم مجازی این توان را دارد که نسبت به روش‌های سنتی تروریسم، بر شمار بیشتری از افراد تأثیر بگذارد (عباسی، ۱۳۸۳: ۳۰).

تروریسم و رسانه

در جامعه شبکه‌ای در عصر اطلاعات و ارتباطات، وقتی که سخن از تروریسم به میان می‌آید، قهراً پای رسانه‌ها نیز به میان کشیده می‌شود، زیرا تروریسم بنا به ماهیت خود، سلاحی روانی است که برای منتقل کردن یک تهدید، به جمع وسیع‌تری نیاز دارد. شاید به همین علت می‌توان گفت که تروریسم و رسانه‌ها دارای ارتباطی نمادین هستند. امروزه گروه‌های مختلف تروریستی با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی می‌توانند به ابعاد عملکرد هراس‌انگیز خود وسعت بیشتری ببخشند. گروه‌های تروریستی با استفاده از رسانه‌های مختلف به‌ویژه اینترنت پیام‌های نفرت‌انگیز و خشونت‌آمیز خود را منتشر می‌کنند و با استفاده از تکنیک‌های روانی درصد تأثیرگذاری بیشتر روی افکار عمومی‌اند. از طرفی همین گروه‌های تروریستی حمله به سایت‌های مختلف را نیز در دستور کار خود قرار داده و به هک کردن سایت‌هایی که مطلوب و موردپسندشان نیستند، اقدام می‌کنند، تا به این وسیله، بتوانند توجه بیشتری را به خود جلب کنند. از طرف دیگر، رسانه‌های جمعی نیز با تأکید روی تروریسم، آینده نامشخصی را در برابر دیدگان مخاطبان خود ترسیم می‌کنند. مثلاً در ایالات متحده آمریکا بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر رسانه‌هایی که مطالب مربوط به عملیات تروریستی را منعکس می‌کردند، موجب بالا رفتن میزان ترس مخاطبان آمریکایی شدند. این ترس سبب شد که سیاستمداران آمریکایی با تأکید بر خطر حملات تروریستی شروع به لشکرکشی به کشورهای مختلف کنند، و با این ابزار، افکار عمومی ایالات متحده آمریکا را در برابر خواست‌های جنگ‌طلبانه‌شان متقاعد کنند. بیشتر مطالعات انجام‌گرفته درباره ارتباط میان تروریسم و رسانه‌صورت، تمرکزشان را روی پاسخی که از طرف رسانه نسبت به رویدادهای تروریستی داده می‌شود، قرار داده‌اند. به‌طور کلی، آنها به این نتیجه رسیده‌اند که ارتباط میان تروریسم و رسانه ارتباط همزیستانه است؛ یعنی از یک طرف، گروه‌های تروریستی از رسانه به‌عنوان ابزاری برای رساندن پیام‌های خود به گروه مخاطبان هدف استفاده می‌کنند (تروریسم رسانه... ۱۳۸۶: ۱۰)، از طرف دیگر، گروه‌های تروریستی با ایجاد حوادث جنجال‌برانگیز برای آنها خبرسازی می‌کنند.

تروریسم و تصویر

به‌طور کلی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تروریسم در دوره جدید، مرتبط کردن خشونت مهلک با رسانه‌ها و انتشار اخبار مربوط به آن است. استراتژی تروریسم در دوره جدید، این

است که بدون استفاده از رسانه‌های گروهی، وارد آوردن خسارات شدید به زیرساخت‌های اقتصادی تأثیر چندانی نخواهد داشت. آنها از خشونت به‌عنوان ماده خام رسانه‌های گروهی استفاده می‌کنند. کافی است که عملیاتی انجام شود و خبر آن در اختیار رسانه‌های گروهی قرار گیرد. از آن پس، کلیه امکانات ارتباطاتی و رسانه‌ای دولتی یا خصوصی در سطح جهانی به آن خواهند پرداخت. ضمن اینکه، با توجه به فضای رقابتی و دموکراتیک موجود، و همچنین وجود خلأ قدرت در بخش اعظم رسانه‌های گروهی، دولت‌ها نیز قادر به کنترل اخبار مربوطه نیستند.

روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت، سایت‌ها و مراکز خبری جهان، لحظه به لحظه ما را در زیر رگبار اخبار حوادث دهشتناک تروریستی که در سراسر جهان به‌وقوع می‌پیوندد، قرار می‌دهند. به‌طوری‌که زندگی روزمره ما را در فضایی از اطلاعات، علائم و نشانه‌ها که حاوی ترس و وحشت از عملیات تروریستی دولتی و عوامل غیردولتی^۱ است، قرار داده است. در واقع، تروریسم از راه وسایل ارتباط جمعی و به‌ویژه از طریق تلویزیون و اینترنت به خانه‌های ما و به تاریک‌ترین زوایای ذهن ما نفوذ می‌کند و حمله‌ور می‌شود و ترس و وحشت را بر ما مُستولی می‌کند. البته گاهی نیز به‌طور مستقیم یا ملموس، زندگی ما و نزدیکانمان را در معرض خطر بی‌پایان قرار می‌دهد. بدین ترتیب، تروریست‌ها می‌توانند با کمترین هزینه‌ها بیشترین دستاورد را به‌دست آورند. در واقع، تروریست‌ها همانند یک سازمان غیردولتی (NGO) عمل می‌کنند. شاید بتوان گفت که استراتژی سازمان‌های غیردولتی برای رسیدن به اهداف خود در یک جمله خلاصه می‌شود: جلب افکار عمومی از طریق برجسته‌کردن موضوع مورد نظر، و تحمیل اراده خود بر دولت یا هر نهاد ذی‌ربط دیگر، به‌منظور برآورده ساختن مطالبات خود. برای مثال، می‌توان یک سازمان غیردولتی را که علیه قاچاق کودکان و زنان و سوءاستفاده از آنها یا قاچاق اعضای بدن انسان یا به حمایت از محیط‌زیست و حیوانات مبارزه می‌کنند، در نظر گرفت. آنها با ارسال تصاویر صحنه‌هایی که یافته‌اند یا می‌آفرینند، تلاش می‌کنند که حساسیت و افکار عمومی مردم را برانگیزانند، و از آن طریق، بر نهادهای ذی‌ربط فشار آورند تا در مقابله با جرائم، بزهکاری‌ها، یا کم‌کاری‌ها، اقدامات مؤثرتری را به‌عمل آورند. در حقیقت تصاویر اخذشده ابزار کار سازمان‌های غیردولتی است.

۱. منظور از «عوامل غیردولتی» عبارت است از مثلاً سازمان‌های تروریستی شناخته‌شده که همواره اقدامات خشونت‌آمیزشان خبرساز است، یا گروه‌های شبه‌نظامی چریکی که برای به‌دست گرفتن کنترل یک منطقه می‌جنگند، یا فرقه‌ها و دیگر سازمان‌های مذهبی، نیروهای شبه‌نظامی (میلیشیا) و دیگر گروه‌های شبه‌نظامی که موقعیت جغرافیایی ثابتی دارند، باندهای سازمان‌یافته تبهکاری، گروه‌های مزدور، واحدهای شورشی و جدانشده از نیروهای نظامی، اطلاعاتی و امنیتی یک کشور، شرکت‌های چندملیتی فاسد و....

تروریسم نیز با پیروی از این قواعد تلاش می‌کند که نشان دهد که درگیری با اسلحه، مقدمه درگیری اصلی، یعنی درگیری به‌واسطه تصاویر است. به‌نظر می‌رسد که تبدیل تصاویر دهشتناک منازعات به ابزار درگیری، مهم‌ترین ویژگی تروریسم در دوره جدید باشد. با این ویژگی، این امکان برای آنها به‌وجود می‌آید که عدم تقارن‌های نظامی در نظم نوین جهانی را با عدم تقارن در عملیات چریکی پاسخ دهند و تعدیل کنند، و از آن طریق، دولتمردان آمریکایی را وادار به تجدیدنظر در سیاست‌های بین‌المللی‌اش کنند. بنابراین، گسترش تروریسم در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم، هم به‌سبب پیشرفت در استفاده از ابزار خشونت و هم به‌دلیل نحوه بهره‌برداری از پیشرفت‌های رسانه‌ای و اطلاعاتی است (ناجی‌راد، ۱۳۸۵: ۲۵۴-۲۵۳).

بر این اساس، «قدرت» در حال انتقال به دست کسانی است که مهارت لازم در زمینه ایجاد و توسعه شبکه‌های مخابراتی و فعالیت در جهان شبکه‌ها را دارند. عوامل ستیزه‌جوی غیردولتی -از جنگ‌طلب‌ها گرفته تا تبهکارها، به‌خصوص آنهایی که دامنه‌ی فعالیتی فراملی دارند- در حال حاضر، گوی سبقت را از نیروهای دولتی در زمینه کاربرد و دارا بودن توان به‌کارگیری این نوع سازماندهی شبکه‌ای، اصول و استراتژی‌های مرتبط با آن ربوده‌اند» (arquilla & ronfeldt, 1996:43). این جابه‌جایی قدرت، ما را با بُعد جدیدی از تروریسم مواجه کرده که مناسبات قدرت، کنش‌ها و واکنش‌های تروریستی و ضدتروریستی را از حوزه دولتی و فرد، به حوزه گروهی و بر پایه جنبش‌های سیاسی-اجتماعی، که فناوری‌های اطلاعاتی، ارتباطاتی و رسانه‌ای، کنش‌های آن را به‌صورت شبکه‌ای به‌هم‌تنیده درآورده، منتقل کرده است.^۱

تروریسم و اینترنت

هنگامی که اینترنت برای نخستین بار پدیدار شد، به آن به‌منزله ابزاری برای یکپارچه‌سازی فرهنگ‌ها و محیطی برای ارتباط بازرگانان، مصرف‌کنندگان و دولت‌ها با یکدیگر توجه شد. اینترنت مجال بی‌همتایی را برای پدیدآوردن «دهکده جهانی» به‌وجود آورده است. امروزه اینترنت همچنان پدید آمدن دهکده جهانی را نوید می‌دهد، اما در همان حال، از برخی جنبه‌ها

۱. البته منظور این نیست که دولت‌ها به‌طور کلی قدرت خود را از دست داده‌اند، بلکه منظور این است که همان‌طور که بورگن هابرماس هم اخیراً اشاره کرده است، دولت‌ها همچنان قدرت و نفوذ خود را بازتولید کرده و در نظام جهانی نقش بازی می‌کنند. اما آنها دیگر مثل گذشته، حرف آخر را نمی‌زنند و از قدرت منحصربه‌فردی که در گذشته داشته‌اند، دیگر برخوردار نیستند. این کمرنگ شدن قدرت مائور دولت‌ها، به معنای ایجاد خلأ قدرت نیست، بلکه انتقال بخشی از قدرت و نقش دولت‌ها به جنبش‌های سیاسی-اجتماعی و قدرت‌گیری این جنبش‌هاست. در این میان، حتی ممکن است دولت‌ها با حفظ بخشی از قدرت و نقش سنتی خود، به‌صورت بخشی از این جنبش‌های سیاسی-اجتماعی درآیند. به‌عبارت دیگر، جنبش‌های سیاسی-اجتماعی فراتر از دولت‌ها می‌روند و حتی می‌توانند دولت‌ها را هم در بر بگیرند (رک: نش، ۱۳۸۵).

به تهدیدی دیجیتال و نبردگاهی مجازی تبدیل شده است. کاربرد اینترنت از سوی القاعده و نبرد مجازی تایوان و چین، اسرائیل و فلسطین، پاکستان و هند، و چین و آمریکا نمونه‌هایی از این تهدید هستند. در ماجرای جنگ در کوزوو نیز اینترنت به‌مثابه نبردگاهی مجازی میان نیروهای ائتلاف ناتو و عناصر صرب به‌کار می‌رفت. همچنین در سال‌های گذشته، بارها به شبکه‌های رایانه‌ای، به‌وسیله هکرها و تروریست‌ها حمله شده است؛ حملاتی که آشکارا اهداف سیاسی داشته‌اند. مثلاً در سال ۱۹۹۸ شورش‌های اسپانیایی به مرکزی دولتی با ایمیل‌های دروغی حمله کردند. در همین سال شورش‌های تأمیل سفارتخانه سربلانکا را با هزار ایمیل در روز و به مدت دو هفته مختل ساختند. در سال ۱۹۹۹ نیز به رایانه‌های ناتو در جریان جنگ کوزوو به‌وسیله ایمیل‌ها و پیام‌های هرز حمله شد. همچنین ویروس‌های رایانه‌ای از برخی از کشورهای اروپای شرقی به این رایانه‌ها حمله کردند (Denning, www.es.Georgetown.edu). بنابراین، تروریسم مجازی، کنش‌ها، واکنش‌ها و خشونت‌های سیاسی با استفاده از روش‌های ویژه الکترونیک و در فضای دیجیتالی انجام می‌شوند (عباسی، ۱۳۸۳، و.ر.ک: oates, owen & Gibson, 2006).

به‌طور کلی، تروریست‌های فعال در جامعه شبکه‌ای، از ثمرات فناوری نوین برای برنامه‌ریزی، هماهنگی و اجرای اقدامات مرگبار بهره می‌برند. این تروریست‌ها که دیگر از نظر جغرافیایی در قلمرو خاصی محدود نبوده و از نظر مالی و سیاسی به کشور خاصی وابسته نیستند، برای پیش بردن دستورهای جنایتکارانه خود بر توانایی‌های ارتباطی پیشرفته، از جمله اینترنت، تکیه می‌کنند.

تروریسم و اینترنت به دو صورت به یکدیگر مرتبط‌اند؛ اول اینکه، اینترنت عرصه‌ای شده است برای آنکه هم گروه‌ها و هم افراد، پیام‌های نفرت‌انگیز و خشونت‌بار خود را منتشر کنند، و در عین پرداختن به منازعه روانی، با یکدیگر و با پیروان و هواداران‌شان ارتباط برقرار کنند. دوم اینکه، هم افراد و هم گروه‌ها سعی کرده‌اند به شبکه‌های کامپیوتری حمله کنند. البته در حال حاضر، تروریست‌ها ترجیح می‌دهند از اینترنت بیشتر استفاده کنند و بهره ببرند تا اینکه آن را مورد حمله قرار دهند. دلایلی که می‌توان گفت اینترنت یک محیط ایده‌آل برای فعالیت‌های تروریستی است عبارت‌اند از:

۱. هیچ نوع کنترل حکومتی مثل سانسور، قانونگذاری و ... بر آن اعمال نمی‌شود؛
۲. مخاطبان وسیع و گسترده‌ای از آن استفاده می‌کنند؛
۳. دسترسی به آن آسان است؛
۴. یک نوع ارتباط پویا در آن وجود دارد؛
۵. جریان سریع اطلاعات در آن روی می‌دهد؛

۶. محیطی چندرسانه‌ای است.

اما پایگاه‌های اینترنتی فقط یکی از خدمات اینترنتی است که تروریست‌ها از آن استفاده می‌کنند. تسهیلات بسیار دیگری مانند پست الکترونیک، اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی، گروه‌های الکترونیک، محفل‌های اینترنتی و تابلوهای اعلانات مجازی نیز از جمله این امکانات هستند. در این میان، فناوری‌های نوین، جابه‌جایی‌ای نظری را به ارمغان می‌آورند. آنها از طریق اعطای دسترسی آزاد به اطلاعات و ارتباطات جمعی، افراد را در مقابل حکومت‌ها و جوامع، قدرتمند می‌کنند. به‌طور کلی، اهمیت اینترنت به‌عنوان یک وسیله ارتباط جمعی، مرهون طبیعت آزادمنشانه، بدون محدودیت و کنترل‌نشده آن است (تروریسم رسانه‌ای ...، ۱۳۸۶).

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. بشیریه، حسین (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
۲. پیتر، فلمینگ؛ استول، مایکل (۱۳۸۴). سایبر تروریسم؛ پندارها و واقعی‌ها، ترجمه اسماعیل بقایی هامانه، عباس باقرپور اردکانی، در: علیرضا، طیب، تروریسم؛ تاریخ، جامعه‌شناسی، گفت‌مان، حقوق، تهران: نشر نی.
۳. تروریسم رسانه‌ای؛ بازیچه قراردادن رسانه برای ایجاد جنگ روانی (۱۳۸۶). اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی صداوسیما، روزنامه جام جم، یکشنبه ۲۹ مهر، ش ۲۱۲۵.
۴. دریدا، ژاک (۱۳۸۴). «فلسفه در زمانه ترور و تفکر؛ یازده سپتامبر و تروریسم جهانی (گفت‌وگوی جیوانا بورادوری با یورگن هابرماس و ژاک دریدا درباره ترور و تفکر)»، ترجمه امیرهوشنگ افتخاری‌راد، در: جهان جدید؛ سیاست و اندیشه پس از یازده سپتامبر، خردنامه دیپلماتیک؛ ضمیمه روزنامه همشهری، شهریور، ص ۳-۶.
۵. رایش، والتر (۱۳۸۱). ریشه‌های تروریسم، ترجمه سید حسین محمدی‌نجم، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
۶. سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۶). «آثار سیاسی فناوری‌های تازه ارتباطی-اطلاعاتی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۲۲، ش پنجم و ششم (۲۴۶-۲۴۵)، بهمن و اسفند، ص ۱۰۴.
۷. سعیدی، رحمان؛ کیا، علی‌اصغر (۱۳۸۵). نقش جهانی‌شدن و رسانه‌ها در هویت فرهنگی، تهران: خجسته.
۸. سلیمانی، رضا (۱۳۸۶). «آشننگی معنایی تروریسم در گفت‌مان علمی و سیاسی»، راهبرد؛ نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، ش ۴۳، بهار، ص ۱۸۱.
۹. سیمتی، محمدمهدی (۱۳۸۵). عصر سی.ان.ان و هالیوود؛ منافع ملی و ارتباطات فراملی، ترجمه نرجس خاتون براهونی، تهران: نشر نی.
۱۰. شاه‌حسینی، محمدحسن (۱۳۸۱). دفاع در برابر جنگ بیولوژیک و بیوتروریسم (دوجلدی)، سازمان تحقیقات نیروی مقاومت بسیج.
۱۱. ظهیری، صمد (۱۳۸۵). عقلانیت و تروریسم، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، مهرماه.
۱۲. عباسی، مهدی (۱۳۸۳). اینترنت؛ ابزار سیاست (تروریسم مجازی؛ تهدیدی برای آینده). ص ۳۰. در: نشریه فرهنگ و فناوری، سال اول، ش ۳، دی و بهمن.
۱۳. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶). تروریسم‌شناسی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۴. کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات؛ جامعه شبکه‌ای، ویراستار ارشد: علی پایا، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح‌نو، ۱۳۸۰.

۱۵. فی، برایان (۱۳۸۱). فلسفهٔ امروزی علوم اجتماعی؛ با نگرش چندفرهنگی، ترجمهٔ خشایار دیهیمی، تهران: طرح‌نو.
۱۶. مقصودی، مجتبی؛ عرب، منیره (۱۳۸۶). «SMS و کارکردهای سیاسی-اجتماعی آن»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۲۲، ش پنجم و ششم (۲۴۶-۲۴۵)، بهمن و اسفند، ص ۲۰۲.
۱۷. ناجی‌زاد، محمدعلی (۱۳۸۵). جهانی شدن تروریسم و علل همکاری کشورهای جهان علیه آن، (پایان‌نامهٔ دورهٔ دکتری علوم سیاسی دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، آذرماه، ص ۱۵۹-۱۵۸.
۱۸. نش، کیت (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی‌شدن، سیاست و قدرت، ترجمهٔ محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
۱۹. ویستر، فرانک (۱۳۸۳). نظریه‌های جامعهٔ اطلاعاتی، ترجمهٔ اسماعیل قدیمی، چ دوم، تهران: قصیده‌سرا.
۲۰. هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). «فلسفه در زمانهٔ ترور و تفکر؛ بنیادگرایی و ترور (گفت‌وگوی جیوانا بورادوری با یورگن هابرماس و ژاک دریدا دربارهٔ ترور و تفکر)»، ترجمهٔ امیرهوشنگ افتخاری‌راد، در: جهان جدید؛ سیاست و اندیشه پس از یازده سپتامبر، خردنامهٔ دیپلماتیک؛ ضمیمهٔ روزنامه همشهری، شهریور، ص ۳-۶.
۲۱. هنل، ریچارد (۱۳۸۳). تروریسم؛ شکل جدید جنگ، ترجمهٔ احمد واحدیان غفاری، تهران: سخن‌گستر.

(ب) خارجی

22. Dorothy, Denning, **Cyberterrorism**, united states: Georgetown university, www.es
23. Gabriel, Weimann (2004). **Cyberterrorism; how real is threat?** United states: institute of peace, www.Usip.Org/pubs/ special reports/sr 19. html.
24. James, Lewis (2003). **Assessing the risk of cyberterrorism, cyber war and other cyber threats**, center for strategic and international studies, www.Global continuity.Com/article/ articl view/413/1/45.
25. John Arquilla and David Ronfeldt (1996). Research **“The Advent of Netwar”**, Institute, Rand.
26. Robert A. Pope (2003). **the strategic logic of suicide terrorism**, p. 343. in: American political science review, vol. 19, No. 3, August.
27. Sarah Oates, Diana Owen and Rachel K. Gibson (2006). **the internet and politics; citizens, voters and activists**, Routledge.
28. Schiller, Herbert, **Who Knows: information in the age of the fortune 500**, Norwood, p.25.
29. William Warner Fowler (1981). **terrorism Data Base: A comparison of Missions, Methods, and systems**, California, RAND.